

نااطمینانی و استراتژی بهینه در مدیریت نقدینگی بانک‌ها

بخش دوم

هادی احمدپور - کارشناس ارشد علوم اقتصادی

اشاره

یکی از علل مهم و مؤثر در بروز ریسک نقدینگی در بانک‌ها، سوء مدیریت اقتصادی دولت و ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به شرایط عمومی اقتصادی است. در این شرایط، بانک‌ها باید با تمرکز بیشتر بر روی مدیریت نقدینگی و تنظیم منابع و مصارف خود، احتمال بروز ریسک‌ها را تا حد ممکن کاهش دهند. شرایط فعلی حاکم بر سیستم بانکی کشور خودمان و مناسبات پرنوسان دولت با بانک مرکزی از یک طرف، و با سیستم بانکی از طرف دیگر، ایجاب می‌کند که بار دیگر به بحث نااطمینانی و استراتژی بهینه در مدیریت نقدینگی بانک‌ها بپردازیم.

در بخش قبلی، به موضوع مدیریت نقدینگی و ویژگی‌های دارایی‌های نقدشونده و بدهی‌های بانک‌ها و مدیریت ریسک پرداختیم و ضمن اشاره به عوامل ایجاد ریسک نقدینگی و راهکارهای جلوگیری از این بحران، یادآور شدیم که بانک‌های اسلامی به علت آرایه تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌ها با سررسیدهای نسبتاً طولانی و جذب منابع به صورت سپرده‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت، بیش از دیگر الگوهای بانکداری در معرض ریسک نقدینگی قرار دارند. توجه شما را به دنباله این مقاله جلب می‌کنیم.

بانک و اقتصاد

سودآوری در بانک

با توجه به مطرح شدن بحث خصوصی‌سازی در بانک‌ها و اهمیت مبحث سودآوری، دقت در عوامل سودآوری ضروری می‌باشد. این موضوع در دو بخش عمده زیر قابل بررسی است:

۱) نرخ مؤثر: درآمد (سود دریافتی) حاصل از آرایه تسهیلات به متقاضیان وام گفته می‌شود.

۲) قیمت تمام شده پول: قیمت تمام شده پول براساس فرمول زیر محاسبه می‌شود:

هزینه غیر بهره‌ای + هزینه بهره‌ای = قیمت تمام شده پول
منبع آزاد / (هزینه‌های پرسنلی + هزینه اداری عمومی + م. م. م) = هزینه غیر بهره‌ای
منابع مسدود - مجموع منابع = منابع آزاد

با توجه به مباحث مربوط به انواع ریسک (عملیاتی، اعتباری، بازار، قانونی، مدیریت ریسک و ریسک نقدینگی)، بانک‌ها می‌توانند سناریوهای مختلفی را برای خود انتخاب کنند. این سناریوها در دو محور زیر قابل طرح هستند: ۱) هدف‌گذاری براساس حداکثر سود، ۲) هدف‌گذاری براساس حداقل ریسک. هر محور به دو انتخاب ختم می‌شود که در جدول شماره یک نشان داده شده است. لازم به ذکر است که روش‌های زیر تنها به مسایل نظری دلالت

دارند، و انتخاب گزینه میانه و راه‌های عملی، مستلزم انجام تحقیقات گسترده در جهت یافتن بهترین استراتژی در هر زمان با توجه به تمام متغیرها است. لذا این مقاله، گامی نوین در ورود به مساله نااطمینانی در انتخاب بهترین استراتژی مدیریت نقدینگی به شمار می‌آید.

محور ۱) هدف‌گذاری بر اساس کسب حداکثر سود

شرح جدول شماره ۱: این جدول، برای نشان دادن انتخاب چهار حالت ممکن به صورت حدی، براساس وزن (ضریب اهمیت) هر یک از شاخص‌های موجود (تسهیلات و سپرده‌ها) طراحی شده است که امکان انتخاب بهترین استراتژی‌ها (ترکیب، منابع و مصارف) را از بین حالات ممکن، امکان پذیر می‌سازد. یکی دیگر از مزیت‌های این جدول، تبدیل نمودن شاخص‌های کیفی به شاخص‌های کمی براساس وزن (ضریب اهمیت) است، به طوری که بالاترین عدد مربوط به بهترین استراتژی در بخش منابع و مصارف است. وزن‌ها (ضریب اهمیت) براساس هر یک از دو محور اصلی بالا تعیین می‌شوند. برای مثال، در جدول شماره یک در ردیف یک، براساس محور یک (کسب حداکثر

وجود ریسک
اعتباری که در نهایت
زمینه ساز مطالبات
معوق می‌شود، عامل
اصلی در کاهش
اولویت تسهیلات
بلند مدت است.



یکی از علل مهم و مؤثر در بروز ریسک نقدینگی در بانک‌ها، سوء مدیریت اقتصادی دولت و ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به شرایط عمومی اقتصادی است.

با توجه به مباحث مربوط به انواع ریسک، بانک‌ها می‌توانند سناریوهای مختلفی را انتخاب کنند.

جهت‌دهی به پرسنل در راستای چگونگی تجهیز و تخصیص منابع در بانک است. برای مثال، چهار استراتژی موجود در جدول شماره یک موجود است (A, B, C, D).

۳) وزن استراتژی: برای تعیین وزن هر استراتژی، کافی است که وزن سطر و ستون را با هم ضرب نمایید. به عنوان مثال، براساس جدول شماره یک، در مورد گزینه (استراتژی) D با ضرب وزن مربوط به (سپرده‌های قرض‌الحسنه منابع ارزان قیمت) یا عدد ۲ با وزن مربوط به (تسهیلات بلندمدت) با عدد ۲، نتیجه نهایی یا همان ۴ استخراج می‌شود، که بیانگر بالاتر بودن اهمیت استراتژی D (جمع‌آوری منابع ارزان قیمت با هدف ارایه تسهیلات گران قیمت)، نسبت به سه استراتژی دیگر است. علاوه بر این، براساس جدول شماره یک، استراتژی A با عدد ۱، از اهمیت کمتری نسبت به سایر استراتژی‌ها برخوردار است. در مورد استراتژی‌های B و C بانک بی‌تفاوت است.

مجدداً تأکید می‌شود که تمام موارد بالا، بر اساس محور یک (هدف‌گذاری براساس کسب حداکثر سود) می‌باشد، که یک حالت حدی است. مهمترین سوال که در این مبحث عنوان می‌شود، اینست که وزن‌ها براساس چه معیاری مشخص می‌شوند؟

سپرده‌های ارزان قیمت نسبت به سپرده‌های گران قیمت (بلندمدت) از اهمیت بیشتری برخوردارند. لذا عدد ۲ به عنوان ضریب اهمیت برای شاخص سپرده‌های ارزان قیمت در نظر گرفته شده است. و بر همین اساس، در ستون یک برای شاخص تسهیلات (مصارف)، تسهیلات بلندمدت با فرض اینکه نرخ سود در آینده (سال بعد) کاهش می‌یابد، برای بانک از لحاظ پرداخت اهمیت بیشتری نسبت به تسهیلات کوتاه‌مدت دارد. لذا عدد ۲، به عنوان وزن (ضریب اهمیت) برای بانک در مورد تسهیلات بلندمدت در نظر گرفته شده است، زیرا با فرض کاهش سود تسهیلات در آینده، در صورتی که تسهیلات کوتاه‌مدت باشد، پس از برگشت تسهیلات، بانک می‌بایست مبالغ برگشتی را با نرخ سود کمتر از سال قبل، مجدداً تسهیلات پرداخت نماید.

نکته

۱) وزن (ضریب اهمیت): وزن‌های موجود به صورت قراردادی هستند و تنها بیانگر اهمیت کمتر و بیشتر می‌باشند، اما در تحقیقات تکمیلی می‌توان وزن‌های واقعی را استخراج نمود.

۲) استراتژی: ترکیب منابع و مصارف همزمان با

هدف بانک ها در مدیریت نقدینگی، باید دستیابی به استراتژی ای باشد که حداکثر سود را با حداقل ریسک امکانپذیر سازد.

صورت زیر است: (۱) کوتاه مدت ویژه معادل ۱۳ درصد، (۲) یک ساله تا چهار ساله معادل ۱۵/۷۵ درصد، (۳) پنج ساله معادل ۱۶ درصد.

(ب) تجزیه و تحلیل بخش مصارف از لحاظ سودآوری، بدون در نظر گرفتن ریسک منابع: مصارف (تخصیص منابع) در واقع تسهیلاتی است که بانک به متقاضیان واجد شرایط پرداخت می کند. اگر فرض شود که

در پاسخ به این سوال، همانگونه که در نکته یک توضیح داده شد، وزن های موجود در جدول ۱ و ۲ به صورت قراردادی است و تنها بیانگر اهمیت کمتر و بیشتر می باشد، اما در تحقیقات تکمیلی می توان وزن های واقعی را استخراج نمود. با این توضیح، حال می توان سوال را اینگونه عنوان کرد که اولویت بندی شاخص ها بر اساس چه معیاری صورت گرفته است؟

جدول شماره یک

استراتژی بهینه براساس دستیابی به حداکثر سود

مصارف	وزن (ضریب اهمیت)	۱	۲
وزن (ضریب اهمیت)	شاخص تسهیلات	سپرده های بلند مدت (منابع گزاف قیمت)	سپرده های قرضی الحاقی (منابع ارزان قیمت)
۱	تسهیلات کوتاه مدت	A = ۱	B = ۲
۲	تسهیلات بلند مدت	C = ۲	D = ۲

گیرندگان تسهیلات بلند مدت سود بیشتری را می بایست پرداخت نمایند، لذا پرداخت تسهیلات بلند مدت برای بانک سودآورتر است و اهمیت بیشتری دارد. به همین خاطر، در جدول شماره یک عدد ۲ به عنوان وزن (ضریب اهمیت) تسهیلات بلند مدت در نظر گرفته شده است.

در پاسخ به این سوال، ابتدا هر یک از گزینه ها را می توان با فرض ثبات سایر شرایط و وجود عدم همبستگی بین محورهای ۱ و ۲، در بخش منابع و مصارف مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

الف) تجزیه و تحلیل بخش منابع از لحاظ سودآوری، بدون در نظر گرفتن مبحث ریسک منابع: (۱) منابع ارزان قیمت (حساب جاری، پس انداز و کوتاه مدت): به سپرده گذاران این گونه از سپرده ها حداقل سود ممکن پرداخت می شود. سود پرداختی به این گونه از حساب ها مشروط به شرایط زیر است:

- حساب جاری: سود صفر که در مقابل موارد تشویقی از قبیل ارایه خدمات رایگان، اهدای دسته چک و اولویت در پرداخت تسهیلات را می توان نام برد.
- حساب پس انداز: سود صفر که در مقابل موارد تشویقی از قبیل شرکت در قرعه کشی و تخصیص جایزه به سپرده گذاران این گونه از حساب ها و اولویت در پرداخت تسهیلات را می توان نام برد.
- حساب کوتاه مدت عادی: پرداخت تنها هفت درصد سود به سپرده گذاران.

لذا از دیدگاه حسابداری و سودآوری، بدون در نظر گرفتن سایر شرایط از بین ضریب اهمیت (وزن) (۱) و (۲) (اعداد به صورت فرضی و قراردادی می باشند) عدد ۲، به عنوان ضریب اهمیت (وزن) این گونه از حساب ها انتخاب شده است.

در مقابل، به حساب های گرانقیمت به خاطر پرداخت سود بیشتر به سپرده گذاران، عدد وزنی (۱) تعلق گرفته است که با فرض ثبات شرایط، در اولویت پایین تر از حساب های ارزان قیمت از لحاظ سودآوری قرار دارد. به عنوان مثال، نرخ سود پرداختی به سپرده های مدت دار، در بانک صادرات به



جدول شماره دو

انتخاب استراتژی بهینه بانک، براساس دستیابی به حداقل ریسک

مصارف منابع	وزن (ضریب اهمیت)	۱	۲
وزن (ضریب اهمیت)	شاخص	سپرده های ارزان قیمت	سپرده های گران قیمت
۱	تسهیلات بلند مدت	A = ۱	B = ۲
۲	تسهیلات کوتاه مدت	C = ۲	D = ۴

از طرفی، در بخش تخصیص و توزیع (سپرده‌ها) یا منابع، اگر هدف سودآوری باشد، می‌بایست با توجه به تغییر نرخ سود تسهیلات در آینده (افزایش، کاهش، ثبات) تخصیص منابع براساس انتخاب یکی از سه وضعیت زیر صورت پذیرد، که به ترتیب، در صورت افزایش احتمالی سود تسهیلات، نسبت به تخصیص تسهیلات کوتاه‌مدت اقدام می‌شود؛ در صورت احتمال کاهش سود تسهیلات، نسبت به ارایه تسهیلات بلندمدت اقدام خواهد شد؛ و در صورت ثابت بودن و برابری نرخ سود، بی تفاوت خواهد بود. پس به طور خلاصه، بانک می‌بایست با توجه به شرایط یکی از سه حالت زیر را انتخاب کند (احمدپور / ۱۳۸۵):

- ۱) احتمال افزایش نرخ سود تسهیلات در آینده، که در این صورت، تسهیلات کوتاه‌مدت در اولویت است.
- ۲) در صورت احتمال کاهش نرخ سود تسهیلات در آینده، تسهیلات بلندمدت در اولویت است.
- ۳) و در صورت ثبات نرخ سود، بانک بی تفاوت خواهد بود و پرداخت به تسهیلات با نرخ سود بالاتر ارجحیت دارد.

محور ۲) هدف گذاری بر اساس دستیابی به حداقل ریسک

در جدول شماره دو حالت حدی دیگری نشان داده شده است. در این جا وزن ارایه شده به هر شاخص، تنها براساس ریسک مربوط به هر گزینه است، یعنی به شاخصی که کمترین ریسک را با فرض ثبات سایر شرایط دارد، بالاترین وزن (عدد ۲) تعلق می‌گیرد و برعکس. ضمناً حالت D، بهترین انتخاب و حالت A، بدترین انتخاب است. عوامل این مساله را با فرض ثبات سایر شرایط و عدم توجه بانک به مساله سودآوری، می‌توان به شرح زیر در دو بخش منابع و مصارف با توجه به توضیحات قبل مورد تجزیه و تحلیل قرار داد:

الف) تجزیه و تحلیل بخش منابع (سپرده‌ها) از لحاظ دستیابی به حداقل ریسک:

۱) منابع ارزان قیمت (سپرده‌های ناپایدار): وزن این نوع از سپرده‌ها براساس جدول شماره دو، عدد (۱) است، زیرا پایداری این منابع نسبت به منابع گران قیمت (یا سپرده‌های مدت‌دار) کمتر است. ناپایداری به مفهوم

تأثیرپذیری سریع سپرده‌ها در مقابل شوک‌های اقتصادی است. به عنوان مثال، اگر احتمال جنگ بعد از یک گفتگوی خبری توسط بالاترین مقام کشور عنوان شود، سپرده‌گذار با فرض وجود احتمال تورم بالا و در پی آن، کاهش ارزش پول، مبادرت به تبدیل مبالغ نقدی به دارایی‌های ضد تورمی (همچون زمین، طلا، ارز و ...) می‌نماید. وجود ریسک بازار، بارزترین ریسک تهدیدکننده در این قسمت است. لذا سپرده‌های ارزان قیمت به راحتی از بانک خارج می‌شوند. ۲) منابع گران قیمت (سپرده‌های پایدار): از آنجایی که فرد سپرده‌گذار، در هنگام خروج سپرده با برخی از محدودیت‌ها (از قبیل پرداخت مابه‌التفاوت سود دریافتی تا پنج درصد کمتر از سپرده‌های کوتاه‌مدت و جریمه بستن به حساب، زمان بر بودن و مواردی از این قبیل) روبرو می‌شود، لذا این شرایط، باعث عدم انگیزه لازم در فرد سپرده‌گذار جهت خروج مبالغ و عکس‌العمل سریع در برابر شوک‌های اقتصادی می‌شود. این نوع از سپرده‌ها در کشورهایی که دارای نرخ تورم

با در نظر گرفتن مباحث ریسک و موضوع سودآوری به طور همزمان، بهترین استراتژی برای بانک‌ها چیست؟

بالا هستند، به نفع بانک و به ضرر سپرده‌گذار است، زیرا در مواقع تورم، همواره قرض‌دهنده متضرر و قرض‌گیرنده منتفع می‌شود.

ب) تجزیه و تحلیل بخش تسهیلات (مصارف) از لحاظ دستیابی به حداقل ریسک:

۱) تسهیلات بلندمدت، به تسهیلاتی گفته می‌شود که زمان اتمام تسویه و پرداخت دیون توسط گیرنده تسهیلات بیش از یکسال باشد، مانند تسهیلات خرید خودرو، کالاهای با دوام، مواد اولیه، جعاله و ... که معمولاً در قالب عقود مشارکتی نمود می‌کند.

در جدول شماره دو، وزن (ضریب اهمیت) کمتر یا عدد ۱ با در نظر گرفتن ریسک پرداخت تسهیلات به تسهیلات، بلندمدت اختصاص داده شده است. وجود ریسک اعتباری که در نهایت زمینه‌ساز مطالبات معوق نیز می‌گردد، عامل اصلی در اولویت کمتر تسهیلات بلندمدت است.

۲) تسهیلات کوتاه‌مدت: عمده معاملات کوتاه‌مدت می‌تواند براساس عقد با بازده معین، از جمله فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، خرید دین و ... باشد. این نوع از تسهیلات به خاطر برگشت سریع سرمایه، مصون ماندن از تورم به نسبت کمتر از تسهیلات بلندمدت و پاسخ‌گویی سریع‌تر به نوسانات و هجوم سپرده‌گذاران، با ریسک کمتری مواجه است و از این لحاظ برای بانک دارای ضریب اهمیت بیشتری است.

مبحث کاربردی

حال سوال اساسی این است که با توجه به جداول شماره یک و دو و با در نظر گرفتن مباحث ریسک و سودآوری به صورت هم‌زمان، بهترین استراتژی برای بانک چه ترکیبی است؟ برای روشن شدن موضوع، نتایج جداول شماره یک و دو را مجدداً بررسی می‌کنیم:

انتخاب بهترین استراتژی جهت مدیریت (D) با فرض روند افزایش نرخ سود تسهیلات در آینده، در دو محور سود و ریسک به صورت زیر است:

- محور سودآوری: سپرده‌های ارزان‌قیمت با تسهیلات کوتاه‌مدت.

- بحث ریسک: سپرده‌های بلندمدت با تسهیلات کوتاه‌مدت.

پاسخ‌گویی به سوال اساسی بالا، منوط به انجام تحقیقات گسترده جهت دست یافتن به وزن‌های واقعی (با توجه به محاسبه دقیق ریسک، شرایط بازار و سایر متغیرهای مرتبط) است، ولی برای سادگی موضوع و برای مثال، در بانک صادرات، استراتژی مورد نظر، دریافت منابع ارزان‌قیمت و پرداخت تسهیلات کوتاه‌مدت است، لذا می‌توان بر اساس جداول شماره یک و دو این استراتژی را به راحتی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

بخش منابع (سپرده‌ها): انتخاب منابع ارزان‌قیمت از لحاظ سودآوری براساس جدول شماره یک دارای اولویت بالاتری نسبت به منابع گران‌قیمت است، لذا از وزن (ضریب

اهمیت) بالاتری برخوردار است، اما براساس جدول شماره دو، یا مبحث ریسک، به علت عدم پایداری دارای ضریب اهمیت کمتری است و تنها در صورتی سیاست جمع‌آوری منابع ارزان‌قیمت مورد قبول است که وزن سودآوری، بیشتر از وزن ریسک (عدم پایداری منابع) باشد.

بخش مصارف (تسهیلات): تسهیلات کوتاه‌مدت براساس جدول شماره یک با توجه به احتمال افزایش نرخ سود تسهیلات، دارای ضریب اهمیت بالاتری (وزن) نسبت به تسهیلات بلندمدت است. براساس جدول شماره دو، تسهیلات کوتاه‌مدت از اهمیت بیشتری برخوردار است، لذا انتخاب گزینه تسهیلات کوتاه‌مدت، با توجه به دو شاخص سودآوری و ریسک، در اولویت قرار دارد.

حال با توجه به نتایج این تحقیق، استراتژی جمع‌آوری منابع ارزان‌قیمت (تجهیز منابع از طریق سپرده‌های ارزان‌قیمت) و ارایه تسهیلات کوتاه‌مدت (تخصیص منابع کوتاه‌مدت) پیشنهاد می‌شود. لذا استراتژی مدیریت نقدینگی در بانک صادرات، با توجه به نتایج این مقاله و پیش فرض افزایش نرخ سود و اهمیت بیشتر موضوع سودآوری منابع (سپرده‌ها) نسبت به ریسک (سپرده‌ها)، مورد تأیید است.

تحقیقات تکمیلی برای شناسایی و تعیین وزن‌ها، ضریب همبستگی، احتمالات و ورود مسایل مرتبط با نااطمینانی بر اساس نتایج این مقاله می‌تواند گامی نوین و کمکی شایان در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی به شمار آید.

در مجموع، هدف بانک‌ها در مدیریت نقدینگی، باید دستیابی به استراتژی‌ای باشد که حداکثر سود را با حداقل ریسک امکان‌پذیر سازد.

منابع و مأخذ
۱) احمدپور- هادی / " برآورد کارایی یک بانک تجاری با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) / مورد مطالعاتی بانک صادرات مازندران / پایان نامه کارشناسی ارشد / دانشگاه مازندران / ۱۳۸۵.

۲) رسولی زاده- علی / " پیش‌بینی و مدیریت ریسک در بورس اوراق بهادار تهران " / اسفند ۱۳۸۴.

۳) بختیاری- حسن / " روش‌های مؤثر در مدیریت نقدینگی " / فصلنامه حسابرسان شماره ۳۴ و پاییز ۱۳۸۵.

- 4) Philippe Jorion "Value at Risk: The New Benchmark for Managing Financial Risk"/ Second Edition/ McGraw Hill, 2000.
- 5) www.bsi.ir
- 6) Greuning Henne; van, Sonja; Brajovic, Bratanovic/"Analyzing Banking Risk" & "A Framework for Assessing Corporate Governance and Financial Risk Management". World Bank/2000.
- 7) Hitchins, John; Mitchell, Hogg and David, Mallet /"Banking a Regulatory Accounting and Auditing Guide"/ London/ The Institute of Chartered Accountants in England and Wales/ 2001.

